

مأموریت های حقیقت یاب مستقل و راهکارهای نظارتی

بررسی وضعیت های خاص حقوق بشر

طاهره ربانی بیدرونی^۱ / دکتر عبدالمحمد افروغ^۲

* نوع مقاله: پژوهشی / تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۵ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۸

چکیده

برخی از حقوقدانان، حقوق بشر را بخشی از میراث مشترک بشریت می داند که در ذات این اندیشه جهان شمولی نهفته است. با بررسی اسناد بین المللی و منطقه ای و آراء اندیشمندان حقوق (دکترین) به این نتیجه میرسیم که ویژگی جهان شمولی حقوق بشر به عنوان یک اصل خدشه ناپذیر پذیرفته شده است. از طرفی تنوع فرهنگی به عنوان یک ضرورت اجتماعی جامعه بین المللی تا جایی قابل حمایت است که اعمال آن باعث انکار این اصل و قواعد حقوق بشر نشود که حاصلی جز خشونت های قومی - مذهبی نخواهد داشت. اهمیت مسأله حقوق بشر و ضرورت وضع ساز و کارهای موثر جهت نظارت دقیق بر اجرای هنجارهای آن موجب شده تا ساز و کارهای متنوعی در نظام حقوق بشر تدارک دیده شود. «مأموریت های حقیقت یاب مستقل» نمونه ای از این دست ساز و کارهای نظارتی محسوب می شود که در سطح بین المللی و منطقه ای مورد شناسایی قرار گرفته است. این نظام نظارتی در کنار نظام های مهم دیگری چون «آیین گزارش دهی» و «آیین شکایت (دادخواهی)» جزء مهم ترین ساز و کارهای نظارتی حقوق بشر محسوب می شوند. هدف اصلی و اساسی از به کارگیری تمامی این نظام های نظارتی آن است که موجب ارتقای تطابق دولت ها با تعهدات حقوق بشری آنها شده و در نتیجه رعایت هنجارهای حقوق بشری و التزام به بررسی وضعیت های خاص حقوق بشر توسط دولت ها را تضمین نمایند. در تحقیق حاضر به طور اجمالی به معرفی این نظام نظارتی پرداخته می شود.

واژگان کلیدی: مأموریت های حقیقت یاب مستقل، حقوق بشر، ساز و کارهای نظارتی حقوق بشر، وضعیت های خاص حقوق بشر.

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی حقوق بین الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر. (نویسنده مسئول)
Masirdanesh96@gmail.com

^۲ استاد دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر.

abdulmahmad56@gmail.com



CC BY-NC-SA

مقدمه

کشف و اعلام حقایق مربوط به یک منازعه (بویژه در باره خشونت ها و جنایاتی که در جریان آن رخ داده است)، به چند صورت ممکن است به تخفیف یا حل وضعیت های خاص حقوق بشر کمک کند، یا از آثار و پیامدهای زاینبار آن بکاهد. گاه می توان این حقایق را به منظور اجرای ع دالت کیفری و تنبیه و مجازات مجرمان و جنایتکاران سیاسی و نظامی به کار گرفت. این کار ممکن است آثار بازدارنده در جریان وضعیت های خاص حقوق بشر، و آثار تسکین دهنده در میان قربانیان آن به همراه داشته باشد. گاه می توان این حقایق را همچون یادآوری و مرور خاطرات منفی وضعیت های خاص حقوق بشر، به منظور برون ریزی و تخفیف بدبینی ها، رنج ها و کینه ه ا (در میان عاملان و قربانیان خشونت ها و جنایت ها) مورد توجه قرار داد و از این طریق به مصالحه و آشتی میان طرفین در گیری کمک کرد. سرانجام، از این حقایق می توان برای آگاهی از خسارات مادی و روحی وارده بر قربانیان و تلاش برای جبران آن و همچنین باز سازی روابط ا جتماعی در جوامع درگیر منازعه استفاده نمود و از این طریق تا حدودی از شروع مجدد وضعیت های خاص حقوق بشر جلوگیری کرد. آثاری که برای کشف و اعلام حقایق ذکر شد، مبنای ایده کاربرد مأموریت های حقیقت یاب در حل و فصل مسائل حقوق بشری است. طی چند دهه اخیر ده ها مورد از این گونه کمیسیون ها از سوی نهادهای ملی و بین المللی برای مواجهه با برخی از ابعاد و آثار این وضعیت های خاص حقوق بشر (بویژه برای کشف حقایق مربوط به جنایات و خشونت های سیاسی و نظامی و اقدام علیه حقوق بشر) تشکیل شده اند. برخی از این کمیسیون ها که مأموریت های مشخص و محدودی داشته اند- نظیر آنهایی که از سوی نهادهای سیاسی یا قضایی ملی و یا بین المللی به منظور شناسایی عوامل دخیل در رویدادها یا جنایات خاصی تشکیل شده اند- تا حدودی در اهداف خود (کمک به تکمیل پرونده و محاکمه و مجازات مجرمان و جنایتکاران سیاسی و نظامی) موفق بوده اند. این گونه کمیسیون ها از پشتیبانی و اقتدار قابل ملاحظه ای برخوردارند؛ هرچند فعالیت آنها با موانعی چون امحاء یا مخدوش کردن اطلاعات موجود یا فشارهای ناشی از ملاحظات سیاسی مواجه است. بعلاوه، رویکرد حاکم بر این نوع کمیسیون ها، صرفاً قضایی- کیفری است که چندان مطلوب متخصصان حل منازعه نیست، زیرا به نظر آنان، این رویکرد آثار بازدارنده ناچیزی دارد و آثار ترمیمی و بازسازانه آن نیز محل تردید است. برخی دیگر از کمیسیون ها - بویژه آنهایی که از سوی سازمان های فعال در زمینه حقوق بشر یا حل منازعه تشکیل می شوند - اهدافی فراتر از مأموریت های قضایی و کیفری را دنبال می کنند. آنها به موازات جمع آوری حقایق محکمه ای، با درگیر کردن هرچه بیشتر گروه های دخیل در وضعیت های



خاص حقوق بشر و بویژه قربانیان و آسیب دیدگان جرائم و جنایات سیاسی و نظامی با فرایند حقیقت یابی به ابعاد ترمیمی و باز سازانه حقایق نیز توجه می کنند. البته، این نوع کمیسیون ها هنوز از اقتدار چندانی بر خوردار نیستند و در جریان مأموریت های خود با مشکلات بیشتری مواجهند. با وجود این، از دیدگاه حل منازعه، رویکرد و شیوه فعالیت این کمیسیون ها و اطلاعات و حقایقی که جمع آوری می کنند، آثار مثبتی در تقویت فرهنگ مصالحه و آشتی دارد. از این دیدگاه، برون ریزی خاطرات منفی و برقراری ارتباط و تعامل میان طرفین درگیری که در رویکرد این کمیسیون ها دنبال می شود، به فراهم کردن زمینه های حل منازعه کمک می کند. تخلیه کینه در میان قربانیان، اعتراف به جنایت و طلب بخشش در میان مجرمان، از جمله آثاری است که ممکن است از فعالیت کمیسیون ها در قالب این رویکرد حاصل آید و به نوبه خود به مفاهمه و مصالحه میان طرفین درگیری کمک کند. با وجود این، تحکیم مصالحه و پیش گیری از وضعیت های خاص حقوق بشر بعدی و همچنین بازسازی جوامع درگیر منازعه، نیازمند اقداماتی بیش از آن چیزهایی است که در رویکردهای محکمه ای، روایتی و مصالحه ای دنبال می شود. برای دستیابی به این اهداف، لازم است کمیسیون هایی با رویکرد مشکل شناختی در جهت شناسایی نابسامانی ها و مشکلات موجود در ساختارها و روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جوامع درگیر در منازعه و ارائه راه حل هایی برای ترمیم و اصلاح این ساختارها و روابط نیز وارد فعالیت شوند. ترمیم و اصلاح این عرصه ها طبعاً نیازمند رویکردهایی توسعه گرایانه و معطوف به فرصت سازی هرچه بیشتر برای تامین نیازهای حیاتی و ارزش های اساسی افراد و گروه های مختلف در جوامع مورد است. البته، پیگیری و تحقق این اهداف چیزی بسیار فراتر از ظرفیت ها و صلاحیت های مأموریت های حقیقت یاب است و مستلزم اراده ها، منابع و برنامه های کلان آن هم در یک دوره کم و بیش طولانی است. با وجود این، هرگونه حقیقت یابی در مورد خشونت ها و جنایات سیاسی و نظامی، بدون توجه به این ابعاد و مسائل، ناقص خواهد ماند. بنا بر این، آن دسته از مأموریت های حقیقت یاب که با رویکرد حل منازعه وارد فعالیت می شوند، می توانند دامنه حقایق مورد جستجوی خود را به این عرصه ها نیز بگسترانند. این کمیسیون ها می توانند همچون کارگزاران تحقیقاتی و مشاوره ای، شرایط و مقتضیات ساختاری، سیاستگذارانه و مدیریتی لازم برای حل و فصل بنیادین وضعیت های خاص حقوق بشر و خشونت ها را شناسایی و اعلام نمایند و به نوبه خود برای جلب توجه نهادهای ذی ربط به این موضوع در سطوح مختلف محلی، ملی و بین المللی تلاش نمایند.



۱- مفهوم شناسی و سیر تاریخی

۱-۱- مفهوم حقوق بشر

انسان به واسطه انسان بودن خود دارای حقوقی است که فقط ذاتی وی می‌باشد و با تغییر زمان و مکان هیچ تغییری نمی‌پذیرد و همواره و همیشه ثابت است و احترام و رعایت این حقوق برای تمامی جوامع و دولت‌ها لازم و ضروری است. لذا با بررسی سیر تحولات تاریخی در روابط میان انسان‌ها می‌توان به این نتیجه رسید که همیشه تعدادی افراد انسانی به بهانه‌های گوناگون از قبیل دفاع از مرزهای سرزمین، خیانت به مملکت، حفظ حقوق دینی و احترام به شعائر مذهبی، مصون ماندن از گناه در ردای کشیش و... جرائمی مرتکب گردیده‌اند که در نهایت جان، شرافت، مال و حیثیت انسان‌های دیگری را زیر پا گذاشته‌اند. به هر حال، این قدرت‌طلبی‌ها و جاه‌طلبی‌های معدودی افراد باید در جایی محدود می‌گردید، بخصوص با نگاهی به دو جنگ جهانی اخیر و تولید جنگ افزارهایی که می‌تواند هر گونه حیات را طی چند ساعت از کره خاکی از بین ببرد، این گونه بود که پس از پایان جنگ جهانی دوم با از دست رفتن جان و آواره شدن میلیون‌ها نفر در یک برهه زمانی کوتاه جامعه ملل خواستار شناسایی بین‌المللی حقوق بشر شدند. به این ترتیب، اولین اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد، که تنها سه سال از تاسیسیش می‌گذشت، رسید.

لذا انکار حقوق بشر و آزادی‌های اساسی نه تنها یک تراژدی فردی و شخصی است، بلکه موجب اوضاع نا آرام اجتماعی و سیاسی می‌گردد و تخم خشونت و خصم را در درون اجتماعات و ملت‌ها و در بین آنها می‌کارد. همان‌طور که جمله نخست اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان می‌نماید: «احترام به حقوق بشر و شأن انسانی» زیربنای آزادی، عدالت و صلح در جهان می‌باشد. (البرزی و رکی، ۱۳۸۶، ۱۹)

حقوق بشر دارای ۳ ویژگی است: ۱- جهان شمولی ۲- ذاتی بودن ۳- غیرقابل سلب بودن. «جهان شمولی به معنای فرافرهنگی، ذاتی به معنای پیوند با حیثیت و کرامت انسانی و غیرقابل سلب بودن بدین معناست که این حق‌ها ریشه در قانونگذاری و یا اراده حکومت ندارد تا سلب آنها توسط قانونگذار موجه باشد. روشن است که غیرقابل سلب بودن به این معنا نیست که تحت هیچ شرایطی نتوان از برخی از افراد به دلایل موجه پاره‌ای از این حق‌ها را سلب و یا اعمال آن را محدود کرد.» (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۸، ۹۳)



این اعلامیه، شاید بدون آن که مبتکرانش بدانند، پایه های مباحثی را گذارده است که سال ها بحث و بررسی را در محافل علمی و مجامع سیاسی به بار آورد. یکی از این مباحث، بحث جهان شمولی حقوق بشر می باشد که بذر این بحث، در اسناد بین المللی، در اعلامیه جهانی حقوق بشر گذارده شد. جهان شمولی حقوق بشر در مقابل نسبت گرایی این حقوق، تقریباً، در نظریات فلاسفه و حقوق دانانی چون توماس هابز و جان لاک روسو و بواس مطرح گردیده بود و از این روی، به اعلامیه جهانی حقوق بشر راه یافته بود. ماده یک اعلامیه جهانی حقوق بشر به اصل جهان شمول بودن حقوق بشر اشاره دارد:

« تمام افراد بشر آزاد به دنیا می آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همه دارای عقل و وجدان هستند». همچنین در مقدمه این اعلامیه نیز اشاراتی به جهان شمول بودن حقوق بشر رفته است همین طور مجمع عمومی این اعلامیه جهانی حقوق بشر را آرمان مشترکی برای تمام مردم و کلیه ملل اعلام می کند. و حتی انتخاب عنوان جهانی و حتی نه اعلامیه بین المللی نشانگر مبتنی بودن این سند بر ایده فرا سرزمینی و فرا حاکمیتی می باشد. تدوین کنندگان در واقع به این باور رسیده بودند که حق هایی انسانی وجود دارد که استحقاق انسان ها نسبت به آنها فراتر از اراده حاکمیتی کشورهاست. (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۱، ۷)

مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر از نظر تعداد زیادی از پژوهشگران از اعتبار حقوق عرفی بین المللی برخوردار است زیرا کاملاً پذیرفته شده و برای سنجش رفتار کشورها به کار می رود. این واقعیت ثابت است که «در حالی که بسیاری از هنجارهای حقوقی محصول مقتضیات و نیازهای خاص اجتماعی است، هنجارهای حقوق بشری ریشه در وجدان اخلاقی انسان دارند». (البرزی ورکی، ۱۳۸۶، ۱۹) لذا این سوال مطرح است که رابطه بین حقوق بشر (ارزش های اخلاقی) و حقوق چیست؟ آیا حقوق خود مبنایی برای حقوق بشر است؟ همان گونه که ذیلاً بررسی و تبیین خواهد شد حقوق قالبی برای اعلام این حق های بشری است. «حقوق» ناظم روابط هر پدیدار اجتماعی است، و بدین لحاظ جزء لاینفک آن به شمار می آید. در چنین مقامی، «حقوق» فی نفسه «غایت» نیست و لزوماً در غایتی وسیع تر که همان نظم مطلوب حیات مشترک اجتماعی باشد، ادغام می گردد، با توجه به این غایت متعالی، «حقوق» هر چند که خود متضمن ارزشهایی خاص است، اما نهایتاً و از این طریق، وسیله تحقق نظم مطلوب اجتماعی می شود. هم از اینجاست که ارزشهای اساسی حقوق، مثل «عدالت»، «تبادل»، یا «امنیت حقوقی» تابع ارزش های برتر و بیرون از خود می شوند. این «ارزش ها» چیزی نیست جز همان «ارزش های مقوم وجود انسان» که اصطلاحاً به آنها «حقوق بشر» می گویند. (البرزی ورکی، ۱۳۸۶، ۲۳) نکته مهم آنکه، هنجارهای حقوقی،



پدیده‌هایی غیر ایستا و پویا هستند که پا به پای تحولات تاریخی و اجتماعی از طریق منابع گوناگون روزآمد می‌شوند. در ادبیات حقوق بشر، برای نشان دادن این تحول از واژه «نسل» استفاده می‌شود و «به کارگیری اصطلاح «نسل» القاکننده تحول تاریخی در به رسمیت شناختن و قید و تدوین برخی اصول و مبانی حقوق بشر در جهتی معین و خاص است». (ذاکریان، ۱۳۷۹، ۱۲۸) حقوق بشر دارای سه نسل است که عبارتند از:

نسل اول: حقوق آزادی که اصالت را به فرد داده است همچون حق حیات، حق آزادی بیان و ...

نسل دوم: حقوق برابری که اصالت را به جامعه داده است همچون حق بر آموزش، حق بر زندگی مناسب، حق بر شغل مناسب و ...

نسل سوم: حقوق همبستگی که اصالت را به جامعه داده تا در لوای آن بتواند حقوق فردی را بهتر مورد حمایت قرار دهد همچون حق تعیین سرنوشت، حق بر صلح و ...

این نسل‌ها با یکدیگر همبستگی دارند و جدای از یکدیگر نمی‌باشند. امروزه، حقوق بشر یکی از شاخه‌های مهم حقوق بین‌الملل محسوب می‌گردد و «نکته قابل توجه این است که به دلیل موضوعیت و محوریت انسان در حقوق بشر، می‌توان با قاطعیت ادعا کرد که تمام شاخه‌های حقوق به گونه‌ای در ارتباط با حقوق بشر می‌باشند. همچنین در عرصه حقوق بین‌الملل نیز سایر شاخه‌های حقوق تحت تأثیر هنجارها و قواعد حقوق بشری قرار دارند». (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۸، ۱۹۳) حقوق بشر در عین حال که در منابع حقوق بین‌الملل مشترک است دارای تفاوت‌هایی نیز می‌باشد که اساس این تفاوت‌ها در اهداف این قواعد است. به این معنا که هدف مشترک هنجارهای حقوق بشری «احترام و تضمین حیثیت و کرامت انسانی» است ولی هدف اصلی در قواعد و هنجارهای بین‌المللی متعارف «منافع دولتها» است. لذا ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری مصوب (۱۹۴۸) پنج منبع بدون ذکر سلسله مراتبی برای آن در حقوق بین‌الملل مطرح می‌کند ۱- معاهدات ۲- عرف بین‌المللی ۳- اصول کلی حقوقی ۴- تصمیمات قضایی ۵- دکترین. در خصوص معاهدات باید متذکر بود که قانون‌ساز بودن یک معاهده از جهات مختلفی می‌باشد، اما در رابطه با این پژوهش قانون‌ساز بودن از حیث موضوع مطرح است. به این معنا که موضوع معاهده شمولیت عام داشته و فراگیر می‌باشد. معاهدات عام یا قانون‌ساز موجب برقراری انتظام حقوقی در موضوعات اساسی و کلی می‌باشد - همچون حقوق و آزادی‌های اساسی بشر- که پس از جنگ جهانی دوم موضوع حمایت تک تک موجودات بشری مد نظر قرار گرفت. معاهدات حقوق بشری بر اساس طبقه‌بندی معاهدات در زمره معاهدات قانون‌ساز (عام) قرار



گرفتند. لذا سوالی مطرح می‌گردد و آن اینکه رابطه معاهدات حقوق بشری با اصل نسبی بودن معاهدات چیست؟ اصل نسبی بودن معاهدات یک اصل کلی حقوقی مسلم است و این اصل دارای استثنائاتی است که یکی از این استثنائات آن، معاهدات قانون‌ساز یا عام می‌باشد. که مسلماً یکی از انواع معاهدات قانون‌ساز، معاهدات حقوق بشری است. بنابراین می‌توان ادعا نمود که این قبیل معاهدات برخلاف اصل نسبی بودن، عام‌الشمول و فراگیر هستند.

با ورود حق شرط از نیمه دوم قرن نوزدهم به معاهدات این موضوع در معاهدات حقوق بشری نیز نمود یافت لذا نفس امکان ایراد شرط در معاهده می‌تواند از یک سو مفید و در نهایت منجر به تعمیق و فراگیر شدن گفتمان حقوق بشر و توسعه قلمرو تعهدات قراردادی در عرصه جامعه بین‌الملل شود، و از سوی دیگر دستاویزی برای گریز از پذیرش معیارها و استانداردهای جهان شمولی حقوق بشری گردد. لذا این سوال مطرح است که کدام مرجع صلاحیت تشخیص اعتبار حق شرط را در حقوق بین‌الملل دارد و آثار حقوقی آن چیست؟ که در دکترین دو دیدگاه در این رابطه مطرح گردیده. دیدگاه اول دیدگاه گروهی است که معتقد هستند، تنها دولت‌ها صالح برای تشخیص اعتبار حق شرط‌ها هستند. این دیدگاه تا اواسط دهه نود مورد توجه دولت‌ها و حتی مجامع حقوقی ملل متحد بوده است. اما پس از فجایع بشری و در پیشی گرفتن رویه حقوق بشری برخی از قدرتهای اروپایی و آمریکایی، دیدگاه دیگری پای گرفت که نه تنها بر این نظر می‌باشد که ارکان نظارتی صالح در تصمیم‌گیری در خصوص مشروعیت رزرو می‌باشد بلکه معتقد است که این ارکان می‌توانند تمام آثار حاصل از تشخیص عدم مشروعیت حق شرط، از جمله ملزم دانستن دولت رزرو دهنده به معاهده را بدون بهره‌مندی از رزرو، نیز جاری کنند.

تازه‌ترین سند در رابطه با حق شرط بر معاهدات «راهنمای عملکرد در مورد حق شرط بر معاهدات» است که توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۲۰۱۱ به تصویب رسید. در این سند، حق شرط آنگونه که در معاهدات مطرح گردیده، شامل معاهدات حقوق بشری گردیده است که به نوعی می‌توان آن را عقب‌گرد از دیدگاه کمیته حقوق بشر دانست که برای حق شرط بر معاهدات حقوق بشری وجه و مقامی خاص قائل است و تا جایی پیش می‌رود که این نتیجه را می‌گیرد که رکن صالح در تشخیص اعتبار یک حق شرط می‌تواند پس از نقض حق شرط نا معتبر، تعهدات حقوق بشری کشور شرط دهنده را احراز نماید.

به نظر می‌رسد منابع حقوق بین‌الملل مختص به ماده ۳۸ اساسنامه نمی‌باشد و منابعی همچون قاعده آمره، مصوبات سازمان‌های بین‌المللی، اعمال و اعلامیه یکجانبه دولت‌ها و... را نیز در بر



می‌گیرد. بند یک ماده ۴ میثاق بین‌الملل حقوق مدنی و سیاسی به تبیین حقوق قابل تعلیق و غیرقابل تعلیق بشری می‌پردازد که به طور خلاصه می‌توان چنین بیان داشت که هرگاه یک خطر عمومی استثنائی موجودیت ملت را تهدید کند و این خطر رسماً اعلام شود، کشور های طرف این میثاق می‌توانند تدابیری خارج الزامات مقرر در این میثاق، به میزانی که وضعیت حتماً ایجاب می‌نماید، اتخاذ نمایند، مشروط بر اینکه تدابیر مزبور با سایر الزاماتی که بر طبق حقوق بین‌الملل به عهده دارند، مغایرت نداشته باشد و منجر به تبعیض بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، اصل و منشأ مذهبی یا اجتماعی نشود. البته حقوق قابل تعلیق دارای شرایطی نیز می‌باشند که در مبحث مربوطه به آن پرداخته خواهد شد.

۱-۲- تاریخچه کمیسیون های حقیقت یاب

سابقه تشکیل کمیسیون های حقیقت یاب به سال های پس از جنگ دوم و مشخصاً به تشکیل کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۷ بر می‌گردد. کمیسیون حقوق بشر یک کمیسیون دائمی بود که وظیفه نظارت بر اجرای اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون منع کشتار جمعی را در جهان به عهده داشت. فعالیت این کمیسیون تا اواخر دهه ۱۹۷۰ در اثر مناقشات و ملاحظات جنگ سرد و تسلط دیکتاتوری ها بر بخش اعظم جهان، تقریباً بی اثر ماند. البته، در همان دوره، بویژه از نیمه دهه ۱۹۶۰ به این سو، بتدریج بر تعداد و تنوع نهادها و مجامع فعال در زمینه حقوق بشر و همچنین بر حجم قواعد و مصوبه های مربوط به این موضوع افزوده شد. کنوانسیون رفع محدودیت های قانونی در زمینه کشف، بررسی و مجازات جرایم علیه بشریت (۱۹۴۸)، مصوبه مجمع عمومی سازمان ملل متحد مبنی بر ملزم کردن دولت های عضو به همکاری در زمینه تحقیق در مورد جرایم علیه بشریت (۱۹۷۳)، کنوانسیون منع و مجازات آپارتاید (۱۹۷۳)، پروتکل های الحاقی به کنوانسیون ژنو (۱۹۷۷)، کنوانسیون منع شکنجه (۱۹۸۴)، تصویب اساسنامه دادگاه بین المللی کیفری (۱۹۹۸) و شروع به کار این از سوی حکومت های مستقر و یا نهادها « کمیسیون ملی حقوق بشر » ۱. صاحب نظران، کمیسیون هایی را که با عنوان و محافل وابسته به آنها تشکیل می شوند، از تعریف کمیسیون های حقیقت یاب خارج می دانند. استدلال آنها این است که این گونه کمیسیون ها معمولاً نقش یک نهاد رسمی و دائمی حکومتی را ایفا می کنند؛ ماموریت خاصی ندارند؛ و غالباً تابع سیاست ها و ملاحظات حکومت هستند.

در اسنادی که چنین نظامی برای نظارت مقرر گردیده، این اصطلاح نیز مشابه سایر اصطلاحات مربوط به نظام های نظارتی مورد تعریف قرار نگرفته است. اما در ترمینولوژی حقوق بشری در بیان



معنی و مفهوم این اصطلاح آمده؛ «به طور کلی، آیین حقیقت یابی، به هر گونه فعالیتی که به منظور به دست آوردن جزئیات اطلاعات دست اول مربوط به وقایع هر مسأله یا وضعیت مورد اختلاف صورت می‌پذیرد، اطلاق می‌گردد». ادر دستورالعمل آموزشی سازمان ملل متحد درباره نظارت بر حقوق بشر نیز در بیان مفهوم این اصطلاح آمده؛ «حقیقت یابی» فرآیند ترسیم نتایج وقایع از طریق فعالیت‌های نظارتی را توصیف می‌نماید».

به نظر می‌رسد، بیان شیوه عملکردی در این نظام می‌تواند تا حدود زیادی در روشن ساختن مفهوم این نظام موثر واقع شود. مکانیزم عملکرد در این نظام به این شکل است که هیأت یا مأمور حقیقت یاب که شامل یک گروه یا فرد هستند، معمولاً جهت انجام تحقیق و بررسی‌های حقوق بشری به مکان‌هایی در کشورهای مختلف رفته و در آن جا اقدام به تحقیق و جمع آوری اطلاعات دست اول و بررسی‌های لازم به منظور به دست آوردن تمامی اطلاعات مربوطه می‌نمایند. سپس، ضمن احراز و تأیید وقایع، اقدام به آماده سازی گزارشی درباره واقعیت‌ها و حقایق مربوط به نقض حقوق بشر، وضعیت‌ها، شرایط یا سایر مسایل مربوطه می‌پردازند و بعد از آن که مأموریت آنها به اتمام رسید، گزارش آماده شده را به مرجعی که حقیقت یابی توسط آن مرجع ارجاع شده بود، تحویل می‌دهند.

جهت انجام فرآیند حقیقت یابی، حقیقت یاب یا هیأت حقیقت یابی می‌توانند با قربانیان نقض حقوق بشر، شاهدان، مأموران و عوامل دولتی، سازمان‌های غیر دولتی، مسئولان اتحادیه‌ها یا هر شخص یا نهادی که می‌تواند اطلاعات واقعی درباره مسایل حقوق بشری را به صورت کلی یا جزئی ارائه نمایند، گفتگو کنند. (گریفیتس، ۱۳۸۸، ۴۵۱)

در حوزه حقوق بشر، اصطلاح حقیقت یابی، اغلب اشاره به فرآیندها و آیین‌هایی دارد که بر اساس آن، اعضای نهاد یا سازمانی بین المللی نظیر کمیسیون حقوق بشر، گزارش گران ویژه یا پرسنل آنها، به مکان‌هایی مراجعه می‌نمایند که در آن جا حوادثی چون کشتار یا ناپدید سازی رخ داده است، تا به جمع آوری دلایلی جهت روشن شدن حقیقت بپردازند. لذا به منظور تحقیق در چنین مواردی، آنها غالباً به اماکنی چون ادارات دولتی، بیمارستان‌ها، زندان‌ها، پاسگاه‌های پلیس یا پایگاه‌های نظامی، قبرستان‌ها و مکان گورهای دسته جمعی مراجعه می‌نمایند.

از حیث موضوعی، حقیقت یابی به اشکال گوناگونی صورت می‌پذیرد. گاهی حقیقت یابی صرفاً درباره موضوع خاصی نسبت به یک کشور صورت می‌پذیرد. به عنوان نمونه وضعیت شکنجه در یک

¹ See: Tomuschat, Christian, Human Rights Between Idealism and Realism, Oxford University Press, First Published, 2003, P.187-188.



کشور خاص مورد بررسی و تحقیق قرار می‌گیرد. گاهی نیز حقیقت یابی مربوط به یک موضوع یا مسأله حقوق بشری خاص نبوده، بلکه وضعیت کلی حقوق بشری یک کشور و میزان التزام آن به استانداردهای حقوق بشری مورد بررسی و تحقیق قرار می‌گیرد. حتی گاهی درباره یک موضوع و پرونده خاص که نسبت به آن طرح شکایت رسمی صورت گرفته نیز ممکن است تحقیق به عمل آورده شود تا حقیقت مسأله آشکار گردد.

۱-۳- آیین حقیقت یابی در نظام بین المللی

در سطح نظام بین المللی حقوق بشر، آیین حقیقت یابی به طور خاص در ماده ۲۰ «کنوانسیون منع شکنجه و رفتارها و مجازات‌های ظالمانه، غیر انسانی و تحقیر آمیز (۱۹۸۴)» به شرح زیر مورد شناسایی قرار گرفته است. در بند ۱ ماده مذکور آمده، اگر کمیته ضد شکنجه، اطلاعات قابل استنادی را که موید دلایل واضحی بر وقوع شکنجه به شکل سازمان یافته در قلمرو کشور عضو کنوانسیون باشد، کمیته، کشور مزبور را به همکاری جهت بررسی اطلاعات و ارائه ملاحظات خود در ارتباط با اطلاعات واصله دعوت می‌نماید. اما بر اساس بند ۲ ماده ۲۰، کمیته با در نظر گرفتن ملاحظاتی که ممکن است توسط کشور عضو مربوطه تقدیم شده باشد و همچنین با توجه به دیگر اطلاعات حاصله، در صورت لزوم می‌تواند، تصمیم بگیرد که یک یا چند عضو خود را جهت انجام تحقیقی محرمانه تعیین نماید تا گزارش خود را با قید فوریت به کمیته ارائه کنند. مطابق ماده ۳ ماده مذکور چنین تحقیقی می‌تواند در بردارنده بازدید از قلمرو آن کشور نیز باشد (مشروط بر موافقت کشور بازدید شونده) البته مطابق بند ۵ ماده ۲۰ تمامی این آیین رسیدگی کمیته ضد شکنجه به طور محرمانه صورت می‌پذیرد.

چنین فرآیند نظارتی در عمل نیز توسط کمیته ضد شکنجه به کار گرفته شده است. کمیته ضد شکنجه در گزارش سال ۲۰۰۱ خود، تحقیقاتی را که در سال‌های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۹ به طور دقیق و خاص درباره کشور «پرو» انجام داده بود، منتشر کرد. در این گزارش آمده، در پی بازدید دو هفته‌ای که از این کشور، در ماه‌های اوت و سپتامبر ۱۹۹۸ به عمل آورده شده، اتهام اقدام به شکنجه‌های سازمان یافته در مبارزه با تروریسم، به وقوع پیوسته است و این کشور مرتکب نقض مقررات «کنوانسیون منع شکنجه و رفتارها و مجازات‌های ظالمانه، غیر انسانی و تحقیر آمیز» شده است.

علاوه بر این تحقیقات و بررسی‌هایی که از جانب پنج سازمان غیر دولتی در کشور «سریلانکا» در همین راستا صورت پذیرفته، بسیار گسترده تر و دقیق تر می‌باشد. این تحقیق که در آوریل ۱۹۹۹ شروع شد و تا ماه «می» ۲۰۰۲ یعنی حدود سه سال به طول انجامید، کشور سریلانکا با توجه به



توصیه‌های کمیته ضد شکنجه همکاری مناسبی با این هیأت حقیقت یاب نموده و پاسخ‌های شفاف‌تری ارائه نمود. بیشتر موارد شکنجه، مربوط به مواردی می‌شد که در اثر درگیری‌های بین شورشیان ببرهای تامیل و حکومت سریلانکا به وقوع پیوسته بود، اما با این حال، پیامد خوشایند این تحقیقات، انعقاد توافق نامه آتش بس بین دولت سریلانکا و شورشیان بوده که در فوریه سال ۲۰۰۲ صورت پذیرفته است. (conde, 2002, 87)

۴-۱- آیین حقیقت یابی در نظام منطقه ای

آیین حقیقت یابی تحت برخی از نظام‌های منطقه‌ای حقوق بشر نیز شکل گرفته است. از جمله این نظام‌ها می‌توان به نظام اروپایی حقوق بشر اشاره نمود که دارای سابقه‌ای نسبتاً طولانی در زمینه حمایت از حقوق بشر است.

«کنوانسیون اروپایی ضد شکنجه (۱۹۸۷) در ماده ۲ خود، آیین حقیقت یابی را به عنوان مکانیزمی نظارتی، مورد شناسایی قرار داده است. بر اساس ماده مذکور، دولت‌ها متعهد شده‌اند، در خصوص بازدید از هر مکانی که تحت صلاحیت آنان قرار دارد و در آن محدوده اشخاص به جهت اعمال اقتدار حاکمیت (قدرت عمومی از آزادی‌های خود محروم شده‌اند، مساعدت لازم را به عمل آورند. همچنین علاوه بر گزارش‌های دوره‌ای که باید دولت‌های عضو ارائه نمایند، در پرتو ماده ۷ سند مزبور نیز نهاد نظارتی می‌تواند در صورت لزوم، بازدیدها و بررسی‌هایی را جهت کشف حقیقت به عمل آورد. این صلاحیت به طور گسترده‌ای در نظام اروپایی مورد بهره برداری قرار گرفته است و حتی با وجود آن که انجام چنین تحقیقاتی و ارائه گزارش آن بر اساس بند ۱ ماده ۱۱ باید به طور محرمانه صورت پذیرد، ولی حسب درخواست خود کشورهای اروپایی گزارش‌های مربوطه نیز منتشر می‌شود. (موسویان و گلشن پژوه، ۱۳۹۱، ۹۸)

علاوه بر این در شرایط خاص، کمیته اروپایی جلوگیری از شکنجه و رفتار یا مجازات غیر انسانی و تحقیر آمیز، می‌تواند درباره موضوع مربوطه بیانیه‌های عمومی منتشر سازد. به عنوان نمونه در جایی که کمیته مزبور در بازدید از کشور ترکیه، با موارد متعددی از وسایل و ابزار شکنجه در مقر پلیس آن کشور در نواحی مختلف مواجه شد که آماده برای شکنجه کردن افراد بوده، اقدام به صدور نخستین بیانیه خود نمود. همچنین دومین بیانیه عمومی این کمیته نیز علیه کشور ترکیه در سال ۱۹۹۶ صادر شد. بیانیه عمومی سوم این کمیته نیز علیه دولت روسیه و در خصوص بازداشت شدگان «چچن» صادر گردید. این بیانیه‌ها از حیث سیاسی اعتبار این دولت‌ها را به شدت به چالش کشانده است.



در نظام آمریکایی حقوق بشر، با وجود آن که در ماده ۴۱ «کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر» (۱۹۶۹) که مربوط به شرح وظایف «کمیسیون بین آمریکایی حقوق بشر» است، وظیفه صریحی مبنی بر امکان بازدید از کشورهای عضو و استفاده از آیین حقیقت یابی مقرر نگردیده است، اما با این حال، رویه‌ای مبنی بر استفاده از آیین حقیقت یابی و بازدید از کشورها شکل گرفته که دارای کارکردی بسیار موثر و توسعه یافته می باشد. به عنوان نمونه «کمیسیون بین آمریکایی حقوق بشر در سال ۲۰۰۱ بازدیدهایی را از کشور «پاناما» و کشور «کلمبیا» به عمل آورده که نتیجه آن در گزارش سالانه این کمیسیون منعکس شده است.

۲- حقیقت یابی و حقوق بشر

آیین حقیقت یابی دستاوردهای زیادی در زمینه حقوق بشر داشته است. زیرا از آن جایی که عمده کارایی نظام‌های نظارتی حقوق بشری بستگی به میزان قدرت و تأثیر فشار ملی و بین المللی دارد، آیین حقیقت یابی از آن جهت که مأمور یا هیأت حقیقت یاب در آن مستقیماً به کشور متهم به نقض حقوق بشر مراجعه می‌نماید و از نزدیک شرایط و وضعیت را مورد بررسی قرار می‌دهد، این قدرت و فشار بین المللی را به صورت ملموس تری می‌تواند به کشور مربوطه منتقل سازد. در جریان چنین مأموریت‌هایی که از جانب نهادهای بین المللی به حقیقت یاب محول شده، مسئولان کشف حقیقت در صورت مواجهه با هر گونه سوء استفاده یا احراز نقض حقوق بشر، می‌توانند به طور مستقیم به مقامات دولتی مراجعه و توقف سوء استفاده و نقض‌ها را خواستار شوند. بدیهی است که چنین اقدامی غالباً موثرتر واقع می‌شود. به ویژه آن که در مکانیزم‌هایی نظیر «آیین شکایت (دادخواهی) فردی» با وجود آن که در آن امکان برقراری ارتباط مستقیم با نهاد نظارتی صالح برای قربانیان وجود دارد و ساز و کاری نسبتاً موثر و کارآمد است، ولی با این حال دستیابی به این نظام، مستلزم طی تمامی راهکارهای داخلی موجود بوده که باید سال‌های زیادی زمان صرف آن گردد و از طرف دیگر مربوط به وقایعی است که در واقع نقض حقوق بشری در آنها رخ داده نه این که در خصوص بررسی موارد احتمالی باشد و از طرفی دیگر گاهی به جهت فقر و مشکلات متعددی امکان بهره مندی از این نظام برای بسیاری از قربانیان فراهم نیست، در حالی که در نظام حقیقت یابی به جهت مواجهه مسئولان حقیقت یاب با مقامات، قربانیان و عوامل واقعی صدمه به قربانیان و بررسی‌های سریع و دقیق، بسیاری از معضلات مربوط به دیگر نظام‌های نظارتی پوشش داده می‌شود.



هر چند مأموریت رسمی هیأت یا مأمور حقیقت یاب، جمع آوری دلایل، شواهد و مدارک مربوط به موضوع ارجاع شده جهت تحقیق و بررسی است، اما با این حال به جهت حضوری که مسئولان حقیقت یاب در قلمرو حکومت مربوطه دارند، فرصت‌های زیادی برای آنها جهت اعمال فشار بر دولت‌های مربوطه، در خصوص اتخاذ تصمیمات فوری وجود دارد. به همین دلیل، حقیقت یابی را به عنوان موثرترین شیوه حمایت بین‌المللی از حقوق بشر تلقی نموده‌اند.

با وجود تمامی مزایایی که برای آیین حقیقت یابی قابل تصور است، این نوع نظام نظارتی دارای موانع و مشکلاتی نیز می‌باشد که کارآیی آن را با مشکل مواجه می‌سازد. از آن جایی که چنین مکانیزمی، دارای حساسیت‌های سیاسی بالایی است، غالباً دولت‌ها از همکاری در این زمینه امتناع می‌نمایند و کمتر دولتی حاضر می‌شود، هیأت یا مأمور حقیقت یاب، قلمرو آنها را مورد بازدید قرار دهد. به جهت همین عدم تمایل دولت‌ها، در کمتر اسنادی چنین مکانیزمی مورد شناسایی قرار گرفته است و حتی در جایی که این مکانیزم به رسمیت شناخته شده، باز هم امکان بهره‌گیری از آن منوط به موافقت دولت‌ها شده است. در هر صورت وجود چنین ساز و کاری در کنار سایر آیین‌های نظارتی می‌تواند به تضمین موثرتر هنجارهای حقوق بشری بینجامد.

۳- کمیته‌های حقیقت یاب مستقل سازمان ملل متحد

اعلامیه پیشنهادی کمیته منشور در خصوص فعالیتهای حقیقت یاب (Charter committee drafts declaration on UN fact-finding activities)، حقوق حاکم بر ایجاد کمیته‌های حقیقت یاب ملل متحد را مشخص کرده است. مجمع عمومی ملل متحد در ۹ دسامبر ۱۹۹۱ این اعلامیه را ذیل قطعنامه ۴۶/۵۹ تصویب نمود. این قطعنامه بر نقش کمیته‌های حقیقت یاب در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی تأکید نمود. این قطعنامه همچنین دبیرکل را موظف نمود تمام دولت‌های عضو و آژانس‌های بین‌المللی را از تصویب این اعلامیه مطلع سازد و اجرا کردن این اعلامیه را از آنها بخواهد. طبق اعلامیه تصویب شده تمام ارکان سازمان ملل متحد موظف به شناسایی توانایی‌های خود از جمله ایجاد کمیته حقیقت یاب شده‌اند. فعالیت حقیقت یابی از سوی این کمیته اینگونه تعریف شده است «هرگونه اقدامی که برای به دست آوردن اطلاعات دقیق از وقایع یک اختلاف یا وضعیتی که ارکان صالح ملل متحد برای اجرای مؤثر وظایف خود در ارتباط با حفظ صلح و امنیت بین‌المللی دارند لازم است». طبق بند چهارم این اعلامیه، کمیته‌های حقیقت یاب باید جامع (comprehensive)، هدفمند (objective) و بی‌طرف (impartial) باشند. (The European Convention Against Torture of 1987 of 26 Nov. 1987, ETS NO. 126).



بند پنجم این اعلامیه بیان می‌دارد که «جز در صورتی که اطلاعات دقیق از وقایع از طریق ظرفیت‌های دبیرکل و ابزارهای موجود سازمان ملل متحد امکانپذیر باشد، لازم است که ارکان ملل متحد امکان توسل خود به کمیته‌های حقیقت‌یاب را بررسی نمایند». اعزام کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل به کشورها نیاز به رضایت قبلی آن دولت دارد. تشکیل کمیته حقیقت‌یاب می‌تواند از سوی شورای امنیت، مجمع عمومی یا دبیرکل سازمان ملل در چارچوب صلاحیت آنها در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی صورت پذیرد. از نظر این اعلامیه شورای امنیت و مجمع عمومی لازم است که جهت اجرای وظایف خود که حفاظت از صلح امنیت بین‌المللی است از این سازوکار بهره کافی را ببرد و در هر جا که لازم باشد به ایجاد این کمیته در قطعنامه‌های خود بپردازد. دبیرکل نیز لازم است به استفاده از کمیته حقیقت‌یاب برای جلوگیری از اختلافات و وضعیت‌ها توجه ویژه‌ای به خرج دهد. (مصفا، ۱۳۸۲، ۱۶۰)

طبق بند ۱۳ و بند ۱۴ این اعلامیه دبیرکل در طرح‌های خود یا بنا به درخواست یک دولت لازم است امکان ایجاد کمیته حقیقت‌یاب را در خصوص اختلافات و وضعیت‌های موجود را بررسی نماید. دبیرکل همچنین موظف است فهرستی از متخصصین در حوزه‌های مختلف را تهیه و روزآمد کند. کمیته‌هایی که از سوی مجمع عمومی یا شورای امنیت تشکیل می‌شود نیز توصیه شده‌اند به اینکه زیر نظر دبیرکل سازمان عمل نمایند. تقاضای یک دولت برای اعزام یک کمیته حقیقت‌یاب به سرزمینش باید بدون تأخیر صورت پذیرد. بند ۱۹ این بیانیه اعلام می‌دارد که چنانچه دولتی درخواست اعزام کمیته‌ای به کشوری دیگر را به یکی از ارکان صالح سازمان ارائه نماید این موضوع باید به اطلاع آن دولت برسد و آن دولت تصمیمش را بدون تأخیر صادر نماید. تمام دولتها باید با کمیته‌ای حقیقت‌یاب همکاری کنند و کمک‌های لازم را به آن اعطا نمایند.

لازم است که این کارشناسان و متخصصین کمیته‌های حقیقت‌یاب از تمام مصونیت‌ها و تسهیلات مربوط به کارشان برخوردار باشند. این افراد باید از قوانین داخلی دولتها تا جایی که مانع فعالیت آنها نمی‌شود تبعیت کنند. این افراد از تمام مصونیت‌ها و مزایای مربوط به کارشناسان مذکور در کنوانسیون مصونیت‌ها و مزایای ملل متحد برخوردار خواهند بود. بند ۲۵ این اعلامیه لازم می‌شمارد که این کمیته‌ها کاملاً در حوزه صلاحیت و بی‌طرفانه عمل نمایند. این افراد نباید از هیچ دولت یا مقامی پولی دریافت کنند و حتی پس از پایان دوره خدمت‌شان اطلاعات کسب شده را باید محرمانه (confidential) نگه دارند. (والاس، ۱۳۸۷، ۱۲)



این اعلامیه به دولت مربوطه این حق را داده است تا نظرات خود را در هر مرحله‌ای از تحقیق بیان دارد و در صورت علاقه، در زمان انتشار گزارش، نظرات آن دولت نیز منتشر شود. دبیرکل لازم است مواردی که به نظرش تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی است را به شورای امنیت گزارش نماید و برای این هدف لازم است که دبیرکل از ظرفیت‌های دبیرخانه برای حقیقت‌یابی بهره گیرد. اعزام این کمیته‌ها به معنای بطلان گزارش سایر کمیته‌های ملی یا مکانیسم‌های حل اختلاف در داخل آن کشور نمی‌شود. هیچ یک از مقررات این اعلامیه نیز نباید برخلاف مقررات منشور ملل متحد تفسیر شوند.

۴- نحوه نامزدی، انتخاب و انتصاب عهده داران مأموریت و گزارشگران ویژه

بر اساس قطعنامه ۱/۵ مصوب شورای حقوق بشر، معیارهای مربوط به انتخاب و انتصاب عهده داران مأموریت و گزارشگران به شرح ذیل می‌باشد:

۱- داوطلبان باید توسط دولت، گروه‌های منطقه‌ای فعال در نظام ملل متحد، سازمانهای بین‌المللی و یا دفاتر آن، سازمان‌های غیر دولتی و یا سایر نهادهای حقوق بشری و افراد معرفی شوند.

۲- یک گروه رایزنی توسط شورای حقوق بشر، جهت بررسی کلیه تقاضانامه‌های درخواست نامزدی جهت احراز سمت گزارشگری ویژه حقوق بشری، منصوب می‌گردند.

۳- گروه مذکور فهرست نهایی نامزدها را در مورد هریک از س‌متهای مذکور، به رئیس شورای حقوق بشر پیشنهاد مینماید. شایان ذکر است در قطعنامه ۶۱/۱۲ مصوب سال ۱۱۰۲ شورای حقوق بشر، موضوع رعایت شفافیت بیشتر در فرآیند انتخاب و انتصاب عهده‌داران مأموریت و گزارشگران ویژه بیشتر تقویت شده و همچنین مورد تأکید بیشتری قرار گرفته است. به علاوه، نهادهای ملی حقوق بشر منطبق با اصول پاریس نیز، میتوانند به معرفی نامزدهای خود برای احراز سمت گزارشگری ویژه، بپردازند. نامزدهای مذکور باید برای هر سمتی که مایل به انتخاب آن هستند، درخواستی را ارائه نمایند.

۴- نامزدهایی که اسامی آنان در فهرست کوتاه شده گروه رایزنی قرار می‌گیرد، متعاقباً توسط گروه مذکور، مصاحبه می‌شوند.



۵- رئیس شورا پس از انجام رایزنی گسترده با روسای گروه های جغرافیایی و گروه های سیاسی از میان افرادی که اسامی آن ها در فهرست کوتاه شده قرار دارد، یک نفر را به عنوان گزارشگر ویژه منصوب می کند و در پایان این مرحله فرد معرفی شده باید به تأیید شورای حقوق بشر برسد. (عسگری، ۱۳۹۰، ۴۶)

۴-۱- نحوه انجام بازدیدهای کشوری گزارشگر ویژه

گزارشگران کشوری، حقوق بشر کشورها را در سطح ملی، بررسی می کنند. آنها جهت انجام این مأموریت، با ارسال مکاتباتی به دولت ذی ربط از آن ها درخواست می کنند تا با انجام سفرشان موافقت نمایند. در صورت موافقت، دولت مذکور از آن ها، دعوت به عمل خواهد آورد. طی انجام چنین مأموریت هایی، گزارشگران ویژه، ضمن ارزیابی وضعیت حقوق بشر کشور ذی ربط، همچنین به بررسی وضعیت نهادهای قضایی، حقوقی و همچنین اداری کشور تحت مأموریت خود می پردازند. آن ها همچنین، از طریق تماس با مقامات ملی و محلی از جمله اعضای قوه قضائیه و نمایندگان مجالس کشورها، همچنین با اعضای نهاد های ملی حقوق بشر، سمن ها، سازمان ملل و دیگر سازمان های تخصصی و مطبوعات آن کشور نیز، ملاقات می کنند. در پایان سفر گزارشگران ویژه کشوری، یک کنفرانس مطبوعاتی نیز در این خصوص برگزار می گردد. (ممتاز و رنجبریان، ۱۳۸۷، ۶۴) رویه های ویژه پس از انجام مأموریت و بازدید خود از کشورها، گزارشی از انجام مأموریت خود، حاوی یافته ها و توصیه هایی به کشور مذکور، تهیه و به شورای حقوق بشر، ارائه می کنند.

۴-۲- گزارش های رویه های ویژه و مأموریت حقیقت یاب شورای حقوق بشر

گزارشگران ویژه و عهده داران مأموریت هم به شورای حقوق بشر و هم به مجمع عمومی سازمان ملل سالانه گزارش های خود را ارائه می دهند که در ذیل به طور جداگانه به هر یک از آن ها اشاره می گردد:

۴-۲-۱- گزارش سالانه به شورای حقوق بشر

کمیسیون پیشین حقوق بشر و همچنین شورای کنونی حقوق بشر، به طور متناوب از گزارشگران ویژه اعم از موضوعی و کشوری خواسته تا به طور منظم گزارشات مکاتبات خود



با دولت ها و همچنین گزارش های سالانه فعالیت های خود را به شورای حقوق بشر، ارائه دهند. گزارش های مذکور حاوی خلاصه ای از نگرانی های مطروحه آنان در آخرین بازه زمانی گزارش دهی می باشد. از سپتامبر ۲۰۱۱، امکانی ایجاد شده تا دولت ها و افراد بتوانند به متون کلیه مکاتبات ارسالی گزارشگران و همچنین پاسخ های دولت ها به مکاتبات مذکور از طریق گزارش های ادواری مربوطه، دست یابند. همچنین، برخی از گزارشگران ویژه نیز سالانه ملاحظات خود را در خصوص پاسخ های دریافتی را منتشر می کنند. گزارش های سالانه باید حاوی موضوعات عمومی مربوط به روش کار، تجزیه و تحلیل های نظری و روند تحولات عمومی هر یک از گزارشگران ویژه با توجه به شرح وظایف مأموریت شان بوده و ممکن است توصیه های کلی را نیز، دربر گیرد. گزارشات مذکور همچنین، حاوی خلاصه ای از کلیه مکاتبات انجام شده با دولت ها و همچنین پاسخ های مربوطه دریافت شده از سوی آن ها باشد که به عنوان ضمیمه به گزارش سالانه، آن ها الصاق می گردد. گزارشهای کشوری گزارشگران، معمولاً به عنوان ضمیمه نیز به گزارش سالانه آن ها، پیوست می باشد. گزارش های ارائه شده توسط رویه های ویژه به شورای حقوق بشر در سال ۲۰۱۴ شامل:

- گزارش به نشست بیست و پنجم (۳۰-۲۸ مارس ۲۰۱۴)،

- گزارش نشست بیست و ششم (۲۷-۱۰ ژوئن ۲۰۱۴)،

- گزارش به نشست بیست و هفتم شورای حقوق بشر (۲۶-۸ سپتامبر ۲۰۱۴)، می باشد.

۴-۲-۲- گزارش های ویژه رویه های ویژه به کمیته سوم مجمع عمومی

از زمان برگزاری شصتمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۰۵ تا کنون، گزارشگران ویژه و عهده داران مأموریت علاوه بر شورای حقوق بشر، همواره گزارشات خود را به کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل نیز که نشست های آن از ماه سپتامبر تا دسامبر هر سال میلادی در مقر این سازمان در نیویورک برگزار می گردد، ارائه می کردند. آخرین گزارش آن ها به هفتادمین نشست کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل در سپتامبر ۲۰۱۵، تسلیم گردید. همچنین، برخی از سازو کارهای حقوق بشری، خواستار ارائه گزارش موقتی فعالیت های گزارشگران ویژه به مجمع عمومی سازمان ملل متحد می باشند.



۵- مأموریت های حقیقت یاب و سازماندهی جامعه در دوران بحران های حقوق بشری

اهمیت کشف حقیقت و ظرفیت های بالقوه کمیسیون های حقیقت باب برای حل و فصل مسائل حقوق بشری از یک سو، و محدودیت ها و موانع عملکرد موثر این کمیسیون ها از سوی دیگر، ایجاب می کند که هم نقش و هم انتظار از این کمیسیون ها متناسب با این ظرفیت ها و محدودیت ها بازنگری شود. اگر نقش و کارویژه اصلی این کمیسیون ها کشف و اعلام حقایق مربوط به وضعیت های خاص حقوق بشر است؛ می توان انتظار داشت که این جنبه از فعالیت های این کمیسیون ها بسط و تعمیق بیشتری داده شود.

راهبرد کشف حقیقت، علاوه بر کمک به ختم وضعیت های خاص حقوق بشر جاری و جلوگیری از وضعیت های خاص حقوق بشر مجدد، ممکن است به عنوان رویکردی در باز سازی و مدیریت جوامع در دوره پس از منازعه نیز استفاده شود. مسائل حقوق بشری و اجتماعی خشونت آمیز، فقط جراحت های روحی و روانی و خسارت های مادی برای افراد و گروه های خاص - که مستقیماً مورد تهاجم، سرکوب و محروم سازی قرار می گیرند- به بار نمی آورند. این وضعیت های خاص حقوق بشر، بویژه در مواردی که مزمین می شوند، کل حیات اجتماعی و ساختارهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را در جوامع مربوطه تحت تاثیر آثار منفی و مخرب خود قرار می دهند. در جریان این گونه وضعیت های خاص حقوق بشر، معمولاً بخش مهمی از منابع و فرصت های اقتصادی، همبستگی ها و سرمایه های اجتماعی تضعیف و تخریب می شوند. ساختارها و نهادهای سیاسی، نظامی و اداری، تحت فشار ملزومات و ملاحظات منازعه استحاله می شوند. نظام های ادراکی، الگوهای رفتاری و وضعیت روانی و اخلاقی نیز در مقیاس اجتماعی دچار اختلال و نابسامانی می شوند. چنین جوامعی، به فرض اینکه منازعه خاصی را- مثلاً در زمینه نژادی، قومی، مذهبی یا سیاسی- پشت سر بگذارند، به دلیل بحران ها و نابسامانی هایی که به طور مزمین در ساختارها و روابط آنها نهفته است، بسیار شکننده هستند و احتمال گرفتار شدن در وضعیت های خاص حقوق بشر جدید در آنها زیاد است. یک کمیسیون حقیقت یاب که حل وضعیت های خاص حقوق بشر را در دستور کار خود قرار داده است، اصولاً نمی تواند نسبت به چنین وضعیت شکننده ای بی تفاوت باشد. بعلاوه، این زمینه ها نیز باید همچون بخشی از حقایق مربوط به جریان منازعه (و مشخصاً مربوط به زمینه ها و ریشه های وضعیت های خاص حقوق بشر) به حساب آیند و در هر گونه گزارش تحقیقاتی و راهکار پیشنهادی، که حل و فصل بنیادین وضعیت های خاص حقوق بشر را هدف قرار می دهد، گنجانده و لحاظ شوند. (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۸، ۱۵۸)



۶- نهادهای رسمی نظارتی بین‌المللی حقوق بشری و مأموریت‌های حقیقت‌یاب

نهادهای رسمی نظارتی بین‌المللی حقوق بشری، اعم از نهادهای رسمی مبتنی بر منشور سازمان ملل (به ویژه شورای حقوق بشر و یو.پی.آر) نهادهای مبتنی بر معاهدات حقوق بشری و یا کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل و دفتر کمیسر عالی و همچنین، نهادهای ملی حقوق بشری (به عنوان یک نهاد غیر رسمی نظارتی)، جملگی با هدف نظارت بر عملکرد حقوق بشری دولت‌ها، جلوگیری از موارد نقض نظامند حقوق بشر توسط آن‌ها و همچنین نظارت بر میزان پابندی دول عضو به تعهدات حقوق بشری مندرج در معاهدات و کنوانسیون‌های حقوق بشری تأسیس شده‌اند.

روند شکلگیری نهادهای مذکور و همچنین نقش و جایگاه هریک از آنان در هنجارسازی‌های مفاهیم حقوق بشری طی دو دهه گذشته از سرعت و شتاب بیشتری نسبت به قبل برخوردار بوده است. نهادهای مذکور از طرق مختلف از جمله تصویب قطعنامه‌ها، انجام مکاتبات، دریافت گزارشات ادواری دولت‌ها و ارائه توصیه‌های مختلف حقوق بشری به کشورها نقش مهمی را در زمینه ارتقاء و حمایت از حقوق بشر کشورها ایفاء نموده‌اند. از طرف دیگر، روند تحولات جاری در مفاهیم روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل از جمله: حکومت، مشروعیت و حاکمیت که باعث تحدید و تهدید حاکمیت دولت‌ها به عنوان بازیگران رسمی نظام بین‌الملل شده است، به تدریج حقوق بشر را در کنار دو مفهوم دیگر توسعه و صلح و امنیت، به عنوان سه رکن اصلی نظام بین‌الملل، گنجانیده است. بدین ترتیب حقوق بشر و حقوق بشر افراد به نوعی جزء قلمرو حقوق بین‌الملل عمومی قرار گرفته است. بر این اساس دولت‌ها ملزمند هم به لحاظ ایجابی و هم به لحاظ سلبی، ضمن رعایت و احترام به حقوق بشر شهروندان مانع از نقض آن‌ها نیز شوند. بنابراین هرگونه اقدام دولت‌ها علیه حقوق شهروندان که منجر به نقض گسترده و نظامند حقوق بشر شود، به عنوان یک اقدام نادرست بین‌المللی تلقی شده و دولت مذکور نیز مرتکب یک جرم بین‌المللی گردیده است. (اسپیل، ۱۳۸۲، ۲۳۴) مضافاً آنکه الحاق دولت‌ها به نهادهای نظارتی مبتنی بر معاهدات طی چند سال گذشته روند رو به رشدی داشته است.

شورای حقوق بشر سازمان ملل، به عنوان یک نهاد فرعی مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۰۲ میلادی رسماً جایگزین کمیسیون پیشین حقوق بشر شد و بدین ترتیب بر



میزان و قدرت تصمیم گیری این نهاد نظارتی افزوده است. ایده تأسیس شورای مذکور، اولین بار بر اساس تصمیم متخذه توسط اجلاس سران دولت های جهان در سال ۵۰۰۲ مطرح و در سند نهایی قطعنامه ۰۶/۱ مصوب ۲۴ اکتبر ۲۰۰۵ مجمع عمومی سازمان ملل، بدان تصریح شد. تصمیم مذکور در سال ۶۰۰۲ از طریق قطعنامه ۲۵۱/۶۰ مصوب مجمع عمومی سازمان ملل رسماً جامع عمل پوشید و مأموریت شورا لازم الاجرای شد. شورا از زمان تأسیس تاکنون مبادرت به برگزاری سی نشست منظم و بیست و چهار نشست ویژه نموده است.

روند تصویب قطعنامه های شورا مذکور، از جمله تصویب قطعنامه های مربوط به وضعیت حقوق بشر کشوری، نسب به آغازین سال های تأسیس رشد قابل توجهی داشته است. تصویب قطعنامه های کشوری و انتصاب گزارشگران ویژه کشوری در شورای حقوق بشر برغم تأسیس سازوکار یو.پی.آر، برخلاف اصول و موازین مندرج در مجموعه سند تأسیسی شورای حقوق بشر مبنی بر اجتناب از هرگونه رفتار مبتنی بر سیاسی کاری، برخورد دوگانه، جانبدارانه و تبعیض آمیز دولت ها در بررسی وضعیت حقوق بشر دیگر کشورهای جهان بوده و از اصول انصاف و عدالت بدور است. در واقع، سازوکار یو.پی.آر، به عنوان یک نهاد نظارتی مبتنی بر تعامل، همکاری و بررسی یکسان وضعیت حقوق بشر تمامی دولت های عضو سازمان ملل و تعامل دولت های تحت بررسی، توانست پس از تأسیس خود در سال ۲۰۰۷ میلادی، نقش ک منظر و بی بدیلی را در ترغیب دولت های عضو سازمان ملل جهت همکاری با این نهاد ایجاد نماید. سازوکار یو.پی.آر تاکنون توانسته با برگزاری نشست های مختلف، ضمن بررسی آخرین تحولات حقوق بشری کشورهای جهان و ارائه توصیه هایی به آن ها علاوه بر کمک به ارتقاء و حمایت از نظام حقوق بشری کشورها، نقش مکملی را نیز برای نهادها و کمیته های نظارتی بین المللی مبتنی بر معاهدات حقوق بشری ایفاء نماید. به عبارت دیگر برخلاف مشکلات نهادهای نظارتی مبتنی بر معاهدات از جمله: عدم همکاری لازم تمامی کشورها با آن و اجتناب برخی از دولت ها جهت تسلیم و دفاع از گزارشات ادواری خود به نهادهای مذکور برغم عضویت در آن و یا همچنین ارائه گزارشات با تأخیرهای طولانی مدت خود به آن ها، یو.پی.آر تا حدود زیادی توانسته است این مشکلات را مرتفع سازد، بگونه ای که از زمان تأسیس آن تا کنون به ندرت و تنها در چند مورد خاص با عدم همکاری و یا عدم گزارش دهی کشورهای جهان مواجه بوده است. (غائبی، ۱۳۸۶، ۷۹۳)



رویه های ویژه و عهده داران مأموریت از جمله گزارشگران ویژه موضوعی و کشوری نیز از طریق مکاتبه، انجام بازدیدهای کشوری و گزارش دهی به شورای حقوق بشر در راستای مأموریت محوله از سوی شورا عمل می کنند.

هرچند انتظار می رود رویه های ویژه از جمله گزارشگران ویژه شورای حقوق بشر اعم از کشوری و موضوعی در چارچوب وظایف تعیین شده برای هریک و مبتنی بر کردارنامه مصوب شورای حقوق بشر عمل کنند، اما در برخی از مواقع مشاهده شده که کارشناسان مذکور از اصول و معیارهای تعیین شده جهت اجرای مأموریت محوله خود یا فراتر رفته و یا از راهبرد اصلی آن عدول می کنند.



نتیجه گیری

تحولات جاری و روزافزون ایجاد شده در روندهای حاکم بر نظام حقوق بشر بین المللی، افزایش هنجارسازی در مفاهیم حقوق بشری سازمان ملل و ایجاد سازو کارهای مختلف حقوق بشری، به ویژه در شورای حقوق بشر سازمان ملل، بر اساس قطعنامه ۲۵۱/۶۰ مصوب مارس ۲۰۰۶ مجمع عمومی ایجاد و جایگزین کمیسیون پیشین حقوق بشر شد، از یکسو و وقوع تحول در مفاهیمی نظیر حاکمیت، بعنوان سنگ بنای نظام حقوق بین الملل و مشروعیت، باعث گردیده تا مفهوم حقوق بشر به تدریج از حالت انتزاعی و نظری تبدیل به یک مفهوم عینی و عملی قابل درک شود. به عبارت دیگر، تحولات مفهومی ایجاد شده در حوزه های نظری روابط بین الملل، حقوق بین الملل و همچنین نظام حقوق بشر بین المللی باعث گردیده تا نظام بین الملل از مرحله مسئولیت حقوقی دولت ها به مرحله مسئولیت کیفی آن ها وارد شود. به گونه ای که عدم تطابق و عدم پایبندی دولت ها به تعهدات حقوق بشری بین المللی خود به منزله نقض نظامند و گسترده حقوق بشر تلقی شده و اقدامات نادرست بین المللی آن ها نیز در زمره نقض تعهدات پذیرفته شده حقوق بشری بین المللی و همچنین جرائم بین المللی محسوب می گردد. دولت ها امروز با عضویت و الحاق به پیمان ها، معاهدات و کنوانسیون های حقوق بشری بین المللی از جمله ارکان معاهده ای حقوق بشری به نوعی میزان پایبندی و تعهد خود را نسبت به احترام به اصول بنیادین حقوق بشر به منصف ظهور می گذارند. روند روزافزون الحاق دولت ها به کنوانسیون و میثاق های بین المللی به خوبی موید این واقعیت است. در این میان سازوکار یو.پی.آر از سال ۲۰۰۸ تاکنون توانسته طی برگزاری بیست و چهار کارگروه مختلف طی دو مرحله وضعیت حقوق بشر کلیه کشورهای جهان را بررسی نموده و توصیه هایی را نیز به آن ها با هدف بهبود، ارتقاء و حمایت از وضعیت حقوق بشر ارائه کند. طی سالیان اخیر، تصویب برخی از قطعنامه های کشوری و انتصاب گزارشگران ویژه کشوری در شورای حقوق بشر برغم وجود سازو کارهای نظارتی یو.پی.آر باعث شده تا به تدریج شورای مذکور به نوعی از اصول خود که همانا مبتنی بر برابری، عدالت و اجتناب از انجام هرگونه رفتار تبعیض آمیز و دوگانه، جانبدارانه و سیاسی بوده به تدریج منحرف شود. در این میان جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از اعضای سازمان ملل و عضو اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاقین حقوق مدنی و سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون حمایت از حقوق کودک و دو پروتکل الحاقی آن، کنوانسیون رفع



کلیه اشکال تبعیض نژادی و کنوانسیون حمایت از حقوق معلولین بوده و همچنین دو گزارش ملی مربوط به وضعیت حقوق بشر خود را به ترتیب طی برگزاری دو نشست جداگانه مربوط به بررسی دوره ای جهانی حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران (نشست هفتم کارگروه یو.پی.آر در بهمن ۸۸۳۱ برابر با فوریه ۲۰۱۰ و نشست بیستم کارگروه یو.پی.آر در آبان ماه ۱۳۹۳ برابر با اکتبر ۲۰۱۴) ارائه نموده و همچنین طی سالیان گذشته گزارشات ادواری خود را نیز به کمیته های نظارتی هریک از نهادهای معاهده ای حقوق بشری تسلیم نموده است که آخرین آن مربوط به دفاع از گزارش ملی کشورمان به کمیته حقوق کودک می باشد که در دی ماه ۱۳۹۴ انجام گرفت. جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ضمن اهتمام به حفظ و ارتقاء حقوق و کرامت ذاتی بشری و برغم برخی از چالش ها و مشکلات حقوق بشری، همچنان به حضور و مشارکت فعال و سازنده خود در هریک از نهادهای فوق الذکر، ادامه داده است. در نوشتار حاضر به تشریح وظایف و عملکرد روبه های ویژه که یکی از نهاد مبتنی بر منشور سازمان ملل است، پرداخته شده که برگرفته از کتاب «نهادهای نظارتی بین المللی حقوق بشری» می باشد. نقش مأموریت های حقیقت یاب در بررسی و اعلام حقایق مربوط به خشونت ها و جنایت های سیاسی و نظامی، و همچنین در تخفیف آثار نامطلوب این پدیده ها، در سال های اخیر افزایش یافته است. این موضوع باعث شده است تا صاحب نظران، این کمیسیون ها را به عنوان کارگزاری مناسب برای حل مسائل حقوق بشری و بین المللی مورد توجه قرار دهند. پیشتر، نقش این کمیسیون ها، همچون ضابطان قضایی، صرفاً جمع آوری «حقایق محکمه ای» بود. به عبارت دیگر، آن ها می کوشیدند، عاملان و مباشران خشونت ها و جنایت های سیاسی و نظامی را شناسایی و به مراجع مربوطه اعلام کنند. اما این کمیسیون ها اخیراً به ابعاد دیگری از حقایق مربوط به خشونت ها و جنایات سیاسی و نظامی توجه نشان داده اند. برخی از این کمیسیون ها، با تمرکز بر «حقایق روایتی»، می کوشند تا طرفین درگیری را نیز در فرایند حقیقت یابی مشارکت دهند و از این طریق به تخفیف و تلطیف آثار و پیامدهای عاطفی و روانی خشونت ها کمک کنند. برخی دیگر، با تاکید بر «حقایق معطوف به مصالحه» و تلاش در جهت بازسازی مادی و روحی طرفین درگیری، می کوشند زمینه های ارتباط و تفاهم میان آن ها را فراهم سازند. چنین رویکردهایی، دستاوردهای قابل ملاحظه ای در زمینه حل وضعیت های خاص حقوق بشر داشته است. با وجود این، اگر قرار است مأموریت های حقیقت یاب به عنوان نهادهای حل منازعه عمل کنند، و اگر هدف این کمیسیون ها حل و فصل پایدار وضعیت های خاص حقوق بشر و جلوگیری از شروع مجدد آنها است، لازم است به جنبه دیگری از حقایق مربوط به خشونت ها و جنایت های



سیاسی و نظامی نیز توجه کنند. این جنبه از حقیقت که در این مقاله با عنوان «حقیقت آسیب شناختی» مورد بحث قرار گرفته است به معنای شناسایی و معرفی زمینه ها و ریشه های بنیادین خشونت ها و جنایت های سیاسی و نظامی در جوامع مورد نظر است. از این دیدگاه، شناسایی و معرفی ساختارها و فرایندهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی منازعه خیز و خشونت زا در جوامع مورد نظر و همچنین ارائه راهکارهایی برای اصلاح این ساختارها و فرایندها به بخشی دیگر از وظائف مأموریت های حقیقت یاب تبدیل می شود. چنین کمیسیون هایی را می توان همچون «کارگزاران گذار» از وضعیت منازعه، به وضعیت پسا منازعه در جوامع پر تنش تلقی کرد.



منابع

- ۱- اسپیل، هکتور گروس، (۱۳۸۲)، جهان شمولی حقوق بشر و تنوع فرهنگی، مترجم دکتر ابراهیم بیگزاده، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۸، پاییز و زمستان.
- ۲- البرزی ورکی، مسعود، (۱۳۸۶)، حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، مجله حقوق اساسی، سال چهارم، شماره هشتم، تابستان.
- ۳- دریدا، ژاک، (۱۳۸۳)، جهان وطنی و بخشایش، ترجمه امیر هوشنگ افتخاری راد، بی جا.
- ۴- ذاکریان، مهدی، (۱۳۷۹)، فرایند یکپارچگی نسل‌های حقوق بشر، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، مهر و آبان ۱۳۷۹، شماره ۱۵۷ و ۱۵۸.
- ۵- عسگری، پوریا، (۱۳۹۰)، حق شرط بر معاهدات حقوق بشری، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- ۶- غائبی، محمدرضا، (۱۳۸۶)، تنوع فرهنگی راه برون رفت از بن بست نزاع جهان شمولی و نسبی‌گرایی حقوق بشر، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و یکم، زمستان ۱۳۸۶.
- ۷- قاری سید فاطمی، سید محمد، (۱۳۸۸)، حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر یکم، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی.
- ۸- قاری سید فاطمی، سید محمد، (۱۳۸۱)، قلمرو حق‌ها در حقوق بشر معاصر، جهان شمولی در قبال مطلق‌گرایی، مجله نامه مفید، شماره ۲۲ بهمن ۱۳۸۱.
- ۹- گریفیتس، مارتین، (۱۳۸۸)، دانشنامه روابط بین الملل و سیاست جهان، مترجم علیرضا طیب، تهران، نشر نی.
- ۱۰- مصفا، نسرين، (۱۳۸۲)، ارزیابی سازوکارهای ملل متحد در حمایت از حقوق بشر: ارکان مبتنی بر منشور و معاهدات، مجله مدرس علوم انسانی، دوره ۷، زمستان ۱۳۸۲، شماره ۳۱.
- ۱۱- ممتاز، جمشید و رنجبریان، امیرحسین، (۱۳۸۷)، حقوق بین الملل بشردوستانه مخصصات مسلحانه داخلی، تهران، نشر میزان، چاپ سوم.



۱۲- موسویان، سید حسین و گلشن پژوه، محمودرضا، (۱۳۹۱)، حقوق بشر: روندها و نظرها، تهران، انتشارات اندیشه برتر پویا.

۱۳- والاس، ربکا، (۱۳۸۷)، حقوق بین الملل، مترجم دکتر سید قاسم زمانی و مهناز بهراملو، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی.

14- Conde, H. Victor, A Handbook of International Human Rights Terminology, Santa Barbara CA: ABC – Clio, 2002, Second Edition, p.87

15- The European Convention Against Torture of 1987 of 26 Nov. 1987, ETS NO. 126.

16- Tomuschat, Christian, Human Rights Between Idealism and Realism, Oxford University Press, First Published, 2003, P.187-188.

17- united nations, human rights: question and answers, 1987, at 4.



Independent fact-finding missions and monitoring strategies to investigate specific human rights situations

Tahereh Rabbani Babdaroni¹ / Dr. Abdolmohammad Afrough²

Abstract

Some jurists consider human rights to be part of the common heritage of humanity, which is at the heart of this universal idea. Examining international and regional documents and the views of legal thinkers (doctrine), we conclude that the universal nature of human rights has been accepted as an inviolable principle. On the other hand, cultural diversity as a social necessity of the international community can be protected to the extent that its application does not lead to the denial of this principle and rules of human rights, which will result in nothing but ethnic-religious violence. The importance of the issue of human rights and the need to establish effective mechanisms to closely monitor the implementation of its norms have led to the provision of various mechanisms in the human rights system. "Independent fact-finding missions" are an example of such monitoring mechanisms that have been recognized internationally and regionally. This monitoring system, along with other important systems such as "reporting procedure" and "litigation (litigation)" are among the most important human rights monitoring mechanisms. The main purpose of using all these regulatory systems is to promote the compliance of states with their human rights obligations, and thus to ensure that states respect human rights norms and commit to examining specific human rights situations. In the present study, this monitoring system is briefly introduced.

keywords: Independent fact-finding missions, human rights, human rights monitoring mechanisms, specific human rights situations.

¹ PhD student in International Law, Faculty of Law, Islamic Azad University, Bushehr branch. (Corresponding Author)
masirdanesh96@gmail.com

² Professor of law faculty, Islamic Azad University, Bushehr branch.
abdulmahmad56@gmail.com

